

## بررسی و تحلیل عیوب فصاحت در شعر کودک

رامین محرمی\* / خدابخش اسداللهی\* / شکراله پورالخاص\* / پیام فروغی راد\*\*

### چکیده

شعر علاوه بر اینکه سبب رشد جنبه‌های فردی و اجتماعی، تقویت ذوق زیبایی‌شناسی و غنای دایره واژگانی کودک می‌شود، ممکن است تأثیر منفی بر کارکرد زبان او داشته باشد. عدول از هنجارهای معیار، استفاده نادرست از کلمات، و جمله‌بندی غیراصولی موجب جایگزینی نامناسب ساخت‌های دستوری در ذهن کودک می‌شود؛ از این‌رو لزوم مطابقت کلام با مقتضای حال مخاطب و القای مناسب پیام، ضروری می‌نماید که شاعران شعر کودک، ابتدا به فصاحت شعر سپس به بلاغت آن بپردازند و الگوهای زبانی را با توجه به گروه سنی مخاطب انتخاب کنند و به کار ببرند؛ زیرا کودکان کلمات و سخنان ساده را بهتر درک می‌کنند و استفاده از زبان بزرگ‌سال و ساختار نادرست دستوری در شعر کودک، سبب ایجاد عیوب فصاحت، لغزش‌های زبانی و در نتیجه، درک نکردن اغراض شعر می‌شود. مهم‌ترین عیوب فصاحت در شعر کودک غرابت استعمال، مخالفت با قیاس، ضعف تألیف و تعقید لفظی و معنوی است.

**کلید واژه:** شعر کودک، عیوب فصاحت، علم معانی، آسیب‌شناسی

---

\*دانشیار دانشگاه محقق اردبیلی

foroghira@uma.ac.ir

\*\*دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی (نویسنده مسئول)

تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۱۱/۲۴ - پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۰۶/۲۴

شعر از مهم‌ترین بخش‌های ادبیات کودک و «کلامی است موزون و زیبا، چه از حیث ترکیب اصوات و کلمات، و چه از حیث مضمون (در اشعار بی‌معنی، زیبایی ترکیب اصوات و کلمات کافی است)؛ اما در مورد اشعار دیگر باید هر دو عامل زیبایی در آن وجود داشته باشد» (علی‌پور، ۱۳۷۹: ۳۶). چگونگی ترکیب اصوات و کلمات در حوزه زبان قرار دارد؛ بنابراین ساختار زبان مهم‌ترین رکن شعر کودک است که کودک به واسطه آن، با دنیای پیرامون خود ارتباط برقرار می‌کند و با انتقال پیام، زبان را «وسیله تفهیم و تفاهم قرار می‌دهد» (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۱: ۲). علاوه بر این، «ساختار زبان، یکی از بنیادهای اصلی ایجاد تفاوت در سبک شعر کودک و بزرگسال است که پیام بر پایه آن شکل می‌گیرد و به آن وابسته است. اگر ساختار زبانی کودکانه نباشد، پیام کودکانه نیز به‌ناچار بی‌معنی است» (کزازی، ۱۳۸۴: ۱۶۹). وظیفه پیام‌رسانی زبان، شاعر شعر کودک را مقید به رعایت موازینی می‌کند که نتیجه آن، بهره‌گیری کامل ذوق سلیم از محتوای شعر و دوری کلام از انحطاط ادبی است. «وقتی در سخن، برای انتخاب الفاظ و تعبیرات و ساخت، تلاشی صورت می‌گیرد، زبان از صورت دیمی بیرون می‌آید و متانت و ظرافت می‌یابد» (سمیعی، ۱۳۸۹: ۴۶).

یادگیری قواعد زبان، فرایند پیچیده‌ای است که زبان‌شناسی، روان‌شناسی و دستور زبان را به یکدیگر پیوند زده است. «گروهی بر این باورند که کودکان با توجه به گرایش‌های فطری خود، مجموعه قواعدی را از زبانی که می‌شنوند، استنتاج می‌کنند» (فاستر کوهن، ۱۳۸۸: ۱۳). بنا بر فطری بودن، زبان در شعر کودک بیش از تصویر و محتوا اهمیت دارد؛ زیرا کودک با شنیدن و خواندن شعر، بخشی از مجموعه قواعد زبانی را فرامی‌گیرد و در تکلم از آن استفاده می‌کند. مهم‌ترین مشخصه عناصر زبانی شعر کودک این است که «از درون و عمق فاصله گرفته و خود را در سطح زبان جلوه می‌دهد. زبان شعر بزرگسال با استفاده از صور خیال، عمق پیدا می‌کند و در نتیجه زبان خواص می‌گیرد و از حوزه مخاطبان کودک خارج می‌گردد و مخاطبان خاص می‌طلبد؛ اما زبان شعر کودک مانند نثر از سطح درونی به سطح بیرونی، جهت ملموس شدن با ذهن کودک در حرکت است. در نتیجه عناصر درونی کردن شعر وجود ندارد» (مدنی و خسروی شکیب، ۱۳۸۸: ۱۰۸) و بر همین اساس، زبان شعر

کودک باید ساده باشد؛ چه از حیث کاربرد کلمات و ترکیبات و چه از حیث ساختار جملات؛ از این رو که «واژه **کودک** و **خردسال** شعر را به قواعد و اصول خاصی مقید می‌کند که تخطی از آن‌ها به‌مثابه فاصله گرفتن از هدف غایی شعر، برای پرورش ذهن کودکانه است» (همان: ۱۰۲).

شاعرانی که با تفکر انسان بزرگسال پا به دنیای شعر کودک می‌گذارند، ادبیات متن را بر سادگی زبان ترجیح می‌دهند که این عامل موجب یادگیری نادرست قواعد دستوری، لغزش زبانی، درک نکردن محتوا و شعر گریزی کودک می‌شود و در کل، عدول از هنجارهای سبکی را به همراه دارد؛ از این رو، بیش از بلاغت، بر فصاحت سخن تأکید می‌شود و اعتقاد بر این است که «درستی سخن آن است که اجزای کلام و ترکیب‌بندی آن، موافق قواعد دستور و لغت باشد؛ پس اگر کلمه غلط یا جمله مغلوط به کار برند، از درجه اعتبار ساقط است و چنین سخنی شایسته اهل ادب و دانش نیست» (همایی، ۱۳۸۹: ۲۰)؛ بنابراین ضروری است که شعر کودک، علاوه بر افاده معنی، رسا و ساده باشد و شاعران باید بیشتر در مورد چگونگی سخن‌گویی بیندیشند، به قول مولوی:

چون که با کودک سروکارم فتاد

پس زبان کودکی باید گشاد

(مولوی، ۱۳۹۰: ۶۶۲)

در این صورت، هم محتوای شعر در سطح درک کودک قرار می‌گیرد و هم شاعر به اهداف خود در زمینه آموزش زبان ساده به کودک می‌رسد؛ همچنین، با توجه به اینکه التذاذ و ذوق ادبی از مهم‌ترین عوامل سوق‌دهنده کودک به شعرخوانی است، پیشبرد و رشد ذوق ادبی مستلزم این است که کلمات، ترکیب‌سازی، جمله‌بندی و... به صورت درست استفاده شود؛ زیرا لازمه بلیغ بودن کلام، فصیح بودن آن است؛ بنابراین پژوهش حاضر، با توجه به سبک متداول شعر کودک و تلفیق دستور زبان و علم معانی مشخص می‌کند که عیوب فصاحت در زبان شعر کودک چگونه است و چه تأثیری بر درک معنی شعر و آموزش هنجارهای زبانی دارد.

روش پژوهش حاضر کتابخانه‌ای و از نوع تحلیل محتواست. نمونه‌هایی که در این پژوهش آمده است از میان شعر شاعران کودک، در طیف‌های مختلف انتخاب شده



است تا استنتاج آن بر کلیت شعر کودک مبتنی باشد و بتوان نتیجه حاصل شده را به کل شعر کودک تعمیم داد.

## ۱-۲. پیشینه پژوهش

تاکنون در زمینه عیوب فصاحت در شعر کودک، پژوهش مستقلی انجام نشده؛ اما در آثار زیر به مباحثی مرتبط با موضوع پژوهش حاضر پرداخته شده است: داوود کشاورز (۱۳۸۰) در مقاله «نقد نظریه مربوط به جهان شمول بودن یادگیری دستور زبان در کودکان» به بررسی و نقد نظریه غالب در زبان‌شناسی نوین در حوزه یادگیری دستور زبان کودکان پرداخته، سپس نظریه جدیدی را بر اساس پژوهش‌های خود ارائه داده است. پروین سلاجقه (۱۳۸۷) در فصل بیست و دوم کتاب «از این باغ شرقی»، به بررسی آسیب‌شناسی شعر کودک و نوجوان پرداخته و گفتاری از این فصل را به مقوله زبان در شعر کودک اختصاص داده است. داوود مدنی و محمد خسروی شکیب (۱۳۸۸) در مقاله «شناسه‌شناسی زبان در شعر کودک» به شرح و تحلیل مهم‌ترین نشانه‌های زبانی در شعر کودک پرداخته‌اند.

## ۲. بحث و بررسی

در سرودن شعر، فصاحت پیش و بیش از بلاغت اهمیت دارد. ادبای قدیم در تعریف آن گفته‌اند: «الفصاحة يُوصَفُ بِهَا المَفْرَدُ و الكَلَامُ و المَتَكَلِّمُ» (تفتازانی، ۱۳۹۱: ۱۷). امروزه با پیروی از این تعریف فصاحت «در اصطلاح علمای بلاغت مشترک است بین سه معنی؛ زیرا فصاحت را گاهی برای کلمه می‌آورند و گاهی برای کلام و گاهی برای متکلم» (رجایی، ۱۳۷۹: ۳). در هر دو تعریف مذکور، فصاحت با رویکرد به علم معانی مطرح شده است؛ اما شمیسا در تعریف فصاحت، افزون بر علم بیان بر نقش زبان نیز تأکید دارد. وی اعتقاد دارد که «منظور از فصاحت این است که کلمات درست و مطابق مرسوم و کلام روشن و استوار باشد و مقصود عمدتاً برای اهل زبان (در گفتار) حاصل است و با تسلط بر دستور زبان و آشنایی با آثار ادبی تقویت می‌شود» (شمیسا، ۱۳۸۷: ۱۱۴). در این تعریف، ارتباط دوسویه دستور زبان و علم معانی آشکار است. توجه به این‌گونه ارتباط، در نگرش تحلیلی به جنبه فصاحت

شعر کودک الزامی است؛ زیرا از یک سو، مهم‌ترین هدف در شعر کودک، برقراری ارتباط بین کودک و دنیای پیرامون از طریق نظام زبان است و از سوی دیگر، هر اندازه واژه‌ها، ترکیب‌ها و جملات ساده و برای کودک درک‌شدنی باشد، به همان اندازه گیرا خواهد بود و کودکان را به سوی خود سوق خواهد داد و به موازات آن، کلمات سخیف و کلام مبهم موجب کاسته شدن از علاقه کودک به شعر می‌شود. اگرچه «اکثر شاعران، به امروزی بودن و سادگی زبان، که بسیار مهم است، توجه فراوان داشته‌اند، شکستگی واژه‌ها و کهنگی زبان و رعایت نکردن قواعد دستوری موجب شده است، شعرهایشان سادگی و روانی خود را کم‌وبیش از دست بدهد» (علی‌پور، ۱۳۷۹: ۷۷) و از دلنشینی آن‌ها کاسته شود؛ به همین عوامل، عیوبی در فصاحت زبان به وجود می‌آید که از لذت ادبی و میزان دریافت معنی کم و سبک شعر کودک را از هنجارهای متعارف دور می‌کند. مهم‌ترین عیوب فصاحت در شعر کودک عبارت‌اند از:

#### \* مخالفت با قیاس

مخالفت با قیاس آن است که کلمه بر اساس قواعد زبانی ساخته نشود (همایی، ۱۳۸۹: ۲۰). این بحث «عمدتاً ناظر به دستور زبان است؛ اما در علم معانی، گاهی غرض از قیاس، نرم (Norm) یعنی هنجارهای معمول و متعارف در زبان است» (شمیسا، ۱۳۸۷: ۱۱۴). هرگاه شاعر شعر کودک، سخنی را برخلاف قواعد زبانی بیان کند، آن سخن مخالف با قیاس و هنجار متداول زبان خواهد بود و موجب می‌شود کودک معنی را درک نکند. مهم‌ترین علل ایجاد این عیب عبارت است از:

#### ✓ جمع بستن اسم خاص

اسم خاص اسمی است که بر فردی مخصوص و معین دلالت کند و نتوان آن را جمع بست (قریب و همکاران، ۱۳۸۰: ۳۶). قاعده بر این است که اسم خاص به صورت مفرد به کار رود و از نظر دستوری، کاربرد آن به صورت جمع نادرست است. در شعر کودک، به جهت اینکه شعر برای کودکان جنبه آموزشی دارد و به صورت غیرمستقیم دستور زبان را به کودک می‌آموزد، رعایت جنبه دستوری کلمات الزامی

است؛ به همین دلیل، رعایت نکردن این جنبه و جمع بستن اسم خاص عیب محسوب می‌شود.

با آنکه مه‌رمه است / اما هوا گرفته / گویی که در دل ما / خورشیدها گرفته (شعبی، ۱۳۷۸: ۱۸).

«خورشید» اسم خاصی است که بر یک شیء خاص دلالت دارد؛ از این رو جمع بسته نمی‌شود؛ اما در شعر بالا به صورت جمع آمده است. این گونه کاربرد نادرست، به یادگیری زبان آسیب می‌رساند و شاید در ذهن کودک این سؤال را ترسیم کند که مگر چند عدد خورشید وجود دارد؟

### ✓ کاربرد اسم به جای صفت

در سطح صرفی زبان، به مطالعه ساختمان درونی واژه‌ها پرداخته می‌شود و اینکه واژه‌ها با توجه به ساختارشان در کدام مقوله دستوری قرار می‌گیرند. بر اساس این، هر نوع واژه‌ای باید در جای خود و به شکل درست به کار رود و به کار بردن هر یک از انواع واژه‌ها به جای نوع دیگر، مخالفت با قیاس است. در شعر زیر، واژه «زندانی» (اسم) به دلیل رعایت قافیه و وزن عروضی، جانشین «زندانی» (صفت نسبی) شده است.

از صبح تا شب در قفس / بیچاره زندان می‌شود / او در قفس از کار خود / حتماً پشیمان می‌شود (شعبان‌نژاد، ۱۳۷۷: خروس پشیمان).

### ✓ ساخت فعل از مصدر جعلی

مصدر جعلی «آن است که در اصل مصدر نباشد؛ بلکه به آخر کلمه فارسی یا عربی لفظ «یدن» افزوده باشند» (یاسمی و همکاران، ۱۳۸۰: ۱۴۱). فعل‌هایی که از مصدر جعلی ساخته می‌شوند، عیوب فصاحت دارند (آقاحسینی و میرباقری فرد، ۱۳۸۷: ۱۰)؛ هرچند که برخی از این مصدرها، مانند جنگیدن، طلبیدن و بلعیدن در زبان فارسی پذیرفته شده‌اند و همچون فعل اصلی استفاده می‌شوند، برخی مصدرهای جعلی دیگر، کاربرد چندانی ندارند. ساخت فعل از مصدرهای جعلی کم کاربرد در شعر کودک چندان رایج نیست؛ با وجود این، برخی از شاعران از این گونه افعال استفاده می‌کنند.

دیشب هم این‌گونه بارید/ یکریز از آسمان برف/ ما زیر کرسی **لمیدیم**/ در گرمی  
منقل و حرف (محقق، ۱۳۸۱: ۴۶)؛ از آنجایی که کودکان در سنین پایین، از افعال اصلی  
ساده استفاده می‌کنند، استفاده از مصدر جعلی «لمیدن» (لم دادن) که در زبان محاوره  
نیز کم‌کاربرد است، در شعر کودک مناسب نیست.

### ✓ به کار بردن فعل مرکب به شکل ساده

کاربرد رایج برخی از افعال به صورت مرکب است و به کار بردن آن‌ها، به شکل  
فعل ساده نادرست شمرده می‌شود. در شعر زیر، شاعر به جای صورت مرکب «بتکان  
بده»، از فعل ساده «بتکان» استفاده کرده است که مخالفت با قیاس شمرده می‌شود.  
فرش‌ها را بتکان/ خانه را جارو کن/ بازکن پنجره را/ به بهاران رو کن (ابراهیمی،  
۱۳۷۲: بهار).

### ✓ غرابت استعمال

به کار بردن واژه‌های نامأنوس فرنگی، دور از ذهن و نوادر لغات مهجور فارسی  
غرابت استعمال نامیده می‌شود (همایی، ۱۳۸۹: ۲۲). با توجه به نقش سه عامل زمان،  
مکان و مخاطب در پدید آمدن غرابت استعمال می‌توان گفت این عیب، موضوعی  
نسبی است (آقاحسینی و میرباقری فرد، ۱۳۸۷: ۸). واژه‌هایی که در شعر کودک  
استفاده می‌شود، باید طبیعی‌تر و ساده‌تر باشند؛ به این دلیل که «میزان آشنایی  
مخاطبان با زبان رایج و واژه‌های هر زبان یکسان نیست و این عامل در تعیین میزان  
آشنایی یا بیگانگی با واژه‌ها بسیار مؤثر است» (همان: ۸). همچنین، به دلیل محدود  
بودن گنجینه لغات کودکان، باید این واژه‌ها و ترکیبات به زبان روزمره نزدیک باشند  
(پولادی، ۱۳۸۷: ۲۹۴). استعمال واژه‌های غریب فرنگی، از عیوبی است که زبان را از  
سره و خالص بودن بازمی‌دارد و در درک معنی جمله نارسایی ایجاد می‌کند.  
بر چوب‌رختی/ آویخته صاف/ دور از تن تو/ در کنج **اشکاف** (کیانوش، ۱۳۸۱:  
۱۹).

اشکاف واژه روسی به معنای قفسه و کمد است (دهخدا، ۱۳۳۸، جلد ۷: ۲۶۷۲)  
که کودک از دریافت معنی آن ناتوان است. همچنین برخی از واژه‌ها ادبیت لازم را  
ندارند و کاربرد آن‌ها در شعر غیرمعمول است.

مادرم لب **پاشویه** / یک بوسه به رویم زد / یک شانه کوچک را / آهسته به مویم زد (شعبان نژاد، ۱۳۷۴: یک شانه کوچک).

لابه لای برگ‌ها، گاهی **خسک** / می‌زند نوک، یا به دستم می‌رود (پوروهاب، ۱۳۷۸: ۲۶).

البته برخی از واژه‌ها، باوجوداین که ادبیت لازم را دارند و در شعر بزرگ‌سال غرابت استعمال شمرده نمی‌شود، در شعر کودک به دلیل محدود بودن دایره لغات کودک، کاربردی ندارند و استعمال آن‌ها عیب است.

بزغاله زیبای من / از شیر مادر می‌خورد / گاهی کنار مادرش / در باغ، **شبدر** می‌خورد (شعبان نژاد، ۱۳۷۷: ۶).

ماه توی حوض و من / توی قاب پنجره / پرشده حیاط ما / از صدای **زنجره** (شعبان نژاد، ۱۳۷۷: ۲۵).

رفتم از شوق دیدن گل‌ها / باز کردم نگاه پنجره را / کوک کردم در آسمان بهار / در دل باغ، ساز **زنجره** را (شعبانی، ۱۳۷۸: ۸).

واژه «شبدر» در اشعار سپهری و واژه «زنجره» در اشعار شاملو و فروغ بر زیبایی هنری شعر افزوده است و مخاطب از شنیدن این دو واژه لذت می‌برد؛ زیرا مخاطبان بزرگ‌سالانی هستند که معنای این واژه‌ها را درمی‌یابند؛ اما در شعر کودک، مخاطب به دلیل ناآشنایی با معنای آن، زیبایی هنری را حس نمی‌کند.

استعمال صفت نامأنوس از عیوب رایج در شعر کودک است. ذکر صفت‌هایی که کودک معنی آن را در نمی‌یابد، از علاقه وی به شعر کم می‌کند. صفت در شعر کودک، علاوه بر اینکه باید با طبیعت پیرامون او در ارتباط باشد، ضروری است از نظر معنایی نیز زودیاب و مفهوم و مناسب با رشد کودک باشد.

قایق کوچک بادبانی / می‌رود تا افق نرم‌نرم / بر سر موج‌های **شکوفان** / سینه را می‌کشد مثل اردک (کیانوش، ۱۳۹۳: ۷۶).

صفت فاعلی «شکوفان» که از بن مضارع + «ان» ساخته شده است، برای کودک درک شدنی نیست، همچنین در شعر بعدی، صفت «زمستان‌خواب‌ها» صفت ترکیبی است که جانشین اسم شده است و کودکان با این ترکیب آشنایی چندانی ندارند و کاربرد آن غرابت استعمال شمرده می‌شود:



**زمستان خواب‌ها** را/ میان لانه خواباند/ کمی لالا برای/ زمستان خواب‌ها خواند  
(شعبانی، ۱۳۷۸: ۲۸).

در نمونه زیر، صفت فاعلی «جنگل‌پوش» که از اسم + بُن مضارع ساخته شده، در معنی «پوشیده از درخت» به کار رفته است که در زبان محاوره و شعر کودک کاربردی ندارد:

مانده‌ام در کوه **جنگل‌پوش**، باز/ هر طرف بر شاخه می‌بینم تمشک/ بلبلی آوازه‌ها  
سر داده است/ از سر یک شاخه می‌چینم تمشک (پوروهاب، ۱۳۷۸: ۲۶).

همچنین در نمونه زیر، صفت «ماهی‌خورک» که از اسم + بن مضارع + ک تصغیر تشکیل شده، غرابت استعمال دارد:

مرغک **ماهی‌خورک**/ بال‌زنان می‌پرد/ گرفته یک ماهیک/ به آسمان می‌برد  
(شعبانی، ۱۳۶۴: ۱۱).

افزون بر این، کاربرد افعال دوجویی که کودکان صرفاً با یک وجه آن آشنایی دارند اگرچه در شعر بزرگسالان نمونه‌های فراوانی دارد، در شعر کودک نوعی غرابت استعمال به شمار می‌آید؛ برای نمونه، کاربرد فعل «می‌سوزد» از نظر دستوری تاریخی دوجویی است و ممکن است به شکل لازم و متعدی به کار رود، اما کودکان با جنبه متعدی آن آشنایی ندارند:

می‌کند جدا از ده/ کودکان صحرا را/ تکه‌تکه **می‌سوزد**/ آفتاب فردا را (شعبی، ۱۳۷۸: ۳۰).

#### ✓ ضعف تألیف

ضعف تألیف، هنگامی به وجود می‌آید که ترکیب کلمات با هم و ساخت عبارات و جملات مغشوش باشد و اجزای کلام در جای خود قرار نداشته باشد که این امر موجب نارسایی معنی می‌شود (شمیسا، ۱۳۸۷: ۱۱۹). در شعر کودک رعایت ترتیب کلام ضروری‌تر است؛ زیرا او باید ساختار منطقی جمله را بیاموزد؛ همچنین، جملات را بر اساس ترتیب دستوری می‌شنود و به کار می‌برد؛ بنابراین بی‌توجهی شاعر به ترتیب جملات، سبب دشواری دریافت معنی و ایجاد ضعف تألیف می‌شود:

هی چراغ سبز و قرمز/ هی صدای بوق ماشین/ **داشت یک پروانه** اما/ در هوا  
پرواز می‌کرد (شعبانی، ۱۳۷۸: ۴).

جابه‌جایی ارکان جمله در «داشت یک پروانه اما» که ترتیب ساختار آن بر اساس دستور زبان انگلیسی است، موجب نارسایی معنا شده است.

**صحیح:** اما یک پروانه داشت در هوا پرواز می‌کرد.

**غلط:** [نهاد محذوف] یک پروانه داشت اما در هوا پرواز می‌کرد.

**چادر برایم / مادر خریده / یک مهر و تسبیح / خواهر خریده (رحماندوست،**

۱۳۷۶: بهار عبادت)

جابه‌جایی نهاد و مفعول در «چادر برایم / مادر خریده» باعث نارسایی معنایی شده

است.

**صحیح:** مادر برایم چادر خریده است.

**غلط:** چادر برایم مادر خریده است.

همچنین در شعر زیر، جابه‌جایی کلمات سبب شده است درک معنی به‌سختی

هموار شود:

گرگم و گله می‌برم / زوزه گرگ شد از دور بلند / **گوسفندان، همه را ترس**

**گرفت /** از سر تپه سرازیر شدند (کیانوش، ۱۳۹۳: ۱۸).

اگرچه دریافت معنی عبارت بالا، برای بزرگسالان آسان است، در شعر کودک،

ذوق سلیم مخاطب (کودک) مورد توجه و تأکید است که از درک آن ناتوان است.

### ✓ تعقید لفظی

واژه‌های شعر کودک علاوه بر سادگی، باید شفاف و آشکار باشند و هیچ ابهامی

در ارتباط بین کلمات وجود نداشته نباشد؛ زیرا کاربرد مبهم کلمات، موجب اشکال در

فهم معنای کلام و ایجاد تعقید لفظی می‌شود (شمیسا، ۱۳۸۷: ۱۲۰). مهم‌ترین عوامل

ایجاد تعقید لفظی در شعر کودک عبارت است از:

### جابه‌جایی کلمات

کلام بر اساس کاربرد واژه‌ها و ترتیب آن، محتمل دو معنی باشد و کودک در

رهیافت معنی درست جمله، دچار تردید شود:



خوش به حالش، چون او / مثل من تنها نیست / همه جا می‌گردد / شب و روز  
اینجا نیست (کیانوش، ۱۳۸۱: ۱۳).

در شعر بالا «مثل من تنها نیست» نارسایی معنایی دارد که به دلیل کاربرد مبهم کلمات ایجاد شده است.

من و او (هر دو) تنها نیستیم.

او مثل من تنها نیست

من تنها هستم، ولی او تنها نیست.

اگرچه قرینه «خوش به حالش» مؤید درستی معنی دوم است، تعقید لفظی جمله به دلیل ابهام موجود، به‌طور کامل رفع نشده است. همچنین در شعر زیر:

زد چندتایی معلق / چرخید و رفت با باد / خدا می‌داند آخر / کجا بیچاره افتاد  
(همان: ۱۶)

خدا می‌داند بیچاره (صفت برای اسم محذوف) کجا افتاد

کجا بیچاره افتاد

خدا می‌داند که در کجا ناتوان ماند.

یکی از شیوه‌های برون‌رفت از منطق طبیعی کلام و شکستن هنجارهای متداول زبان، جابه‌جایی صفت و موصوف در سطح کلام است (حسن‌لی، ۱۳۸۳: ۱۵۴). این امر در شعر بزرگسالان هنجارگریزی نحوی است؛ بدین شکل که شاعر می‌تواند با جابه‌جایی عناصر سازنده جمله، از قواعد نحوی زبان هنجارگریز بزند و زبان خود را از زبان هنجار متمایز کند (صفوی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۵۴). البته واضح است که این جابه‌جایی هنگامی هنجارگریزی ادبی نامیده می‌شود که با لذت کشف و زیبایی ادبی همراه باشد و در دریافت معنی شعر نارسایی ایجاد نشود. در شعر کودک، جابه‌جایی صفت و موصوف، به دلیل اینکه کودک لذت‌های حاصل از هنجارگریزی را در نمی‌یابد، ایراد در کاربرد قواعد ساختاری به شمار می‌آید که موجب تعقید لفظی و تفاوت معنایی می‌شود:

زردرنگ و زیبا / کنار قرمز اومد / نیلی هم از راه رسید / نارنجی رو صدا زد  
(شعبانی، ۱۳۹۱: ۵).

کاربرد «زرد رنگ» به گونه‌ای است که تصور می‌شود از ترکیب این دو کلمه (زرد + رنگ)، صفت واحدی برای اسم محذوف ساخته شده است؛ درحالی‌که «زرد» صفت بیانی «رنگ» است و ساختار درست آن «رنگ زرد» است. کاربرد این ترکیب در شعر بالا- که برای گروه سنّی الف و ب سروده شده است- مناسب نیست. همچنین در نمونه‌های زیر:

از جوان دختری ساخت مادر/ آن جوان مرد را هم پدر کرد (کیانوش، ۱۳۹۳: ۱۳۳).

«جوان دختری» اضافه مقلوب «دختری جوان» است و «جوان مرد» اضافه مقلوب «مرد جوان» است که شکل کاربرد آن، ترکیب «جوانمرد» را به یاد می‌آورد؛ بنابراین کودک از معنای نزدیک «مرد جوان» به معنای دور «جوانمرد» می‌رسد.

### ذکر نکردن صریح مرجع ضمیر

ضمیر جایگزین اسم می‌شود و گوینده را از آوردن اسم بی‌نیاز می‌کند (مدرّسی، ۱۳۸۶: ۱۲۵). آنچه ضمیر به جای آن می‌نشیند، مرجع ضمیر نامیده می‌شود (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۸۹: ۱۸۶). صراحت مرجع ضمیر، پیش از ذکر ضمیر الزامی است. ارتباط صریح ضمیر و مرجع آن در شعر کودک اهمیت زیادی دارد؛ زیرا کودک تخیلی قوی دارد که موجب می‌شود بتواند ضمیر را به چندین مرجع نسبت دهد؛ بنابراین ابهام در مرجع ضمیر تعقید لفظی را به همراه دارد.

با دست او سیب/ شد سرخ و خوشبو/ شد باغبان شاد/ از دیدن او (شعبانی، ۱۳۹۲: ۶).

در شعر بالا، مرجع ضمیر «او» به وضوح آشکار نشده است؛ به عبارتی دیگر، مشخص نشده که مرجع «او»، صاحب دست یا سیب است.

### حذف

حذف کلام یا بخشی از آن، موجب تعقید لفظی می‌شود (رجایی، ۱۳۷۹: ۱۱). حذف کلام به دلیل توجه شاعر به وزن شعر و بی‌توجهی به قواعد زبانی شکل می‌گیرد که این امر سبب می‌شود کودک دستور زبان را آن گونه که باید، نیاموزد. حذف اگر همراه با قرینه باشد، در معنی شعر نارسایی ایجاد نمی‌کند:



از خواب صبح بگذر/ پرواز کن کبوتر/ [به] دنبال آب و دانه/ هر گوشه‌ای بز  
سر (رحماندوست، ۱۳۸۹: ۱۸).

باوجود اینکه حذف نقش‌نمای «به» در درک معنی جمله بالا، نارسایی ایجاد  
نکرده، سبب خلل در یادگیری درست قواعد و ساختار دستوری زبان است. قرینه در  
شعر بالا «دنبال» است که همیشه متمم نقش‌نمای «به» است.

در شعر زیر حذف بدون قرینه «بر»، موجب ایجاد ابهام در تشخیص فاعل و به‌تبع  
آن، نارسایی در مفهوم شعر شده است؛ به‌گونه‌ای که به گمان مخاطب «کدام  
شاخه‌ها» فاعل جمله است:

بهار اول کلاغ/ چه وقت و در کجا گذشت/ کجا و در کدام باغ/ [بر] کدام  
شاخه‌ها گذشت (شعبان نژاد، ۱۳۸۴: کلاغه به خورش نرسید).

باوجود اینکه دستورنویسان معتقدند «گروه قیدی بخشی از سخن است که فعل  
به آن نیازمند نیست و به همین دلیل از جمله حذف‌شدنی است» (وحیدیان کامیار و  
عمرانی، ۱۳۸۴: ۱۰۴)؛ باید گفت در برخی موارد، ذکر نکردن قید، موجب ایجاد تعقید  
لفظی می‌شود؛ برای نمونه شاعر در توصیف درخت نارون می‌گوید:

درخت نارون در کوچهٔ ما/ دوباره چتر سبز خویش واگرد/ بلند و سرفراز و  
سایه‌گستر/ یکایک خانه‌ها را باصفا کرد/ به زیر سایهٔ آن می‌نشینم/ به‌روز گرم  
تابستان سوزان/ [به هنگام] زمستان سرپناه کودکان است/ چو آرد باد تند و سرد  
باران (دولت‌آبادی، ۱۳۷۸: درخت کوچهٔ ما).

حذف «به هنگام» پیش از زمستان، سبب ابهام در معنا شده و ممکن است کودک  
چنین گمان کند که زمستان فاعل جمله است.

### تعقید معنوی

در تعقید معنوی کلام به دلیل اغراق‌های گزاف، تخیلات دورودراز، اشارات مبهم  
به دقایق علوم و اشاره به ضرب‌المثل‌ها و آداب‌ورسوم مبهم شود. این نوع تعقید بر  
اثر مسائل لفظی نیست؛ بلکه به دلیل ارتباط معنایی الفاظ و اجزای کلام مبهم است  
(شمیسا، ۱۳۸۷: ۱۲۱). با توجه به درک کودک، اغلب در شعر کودک به دقایق علوم،  
ضرب‌المثل‌ها و آداب‌ورسوم اشاره نمی‌شود؛ اما در برخی اوقات، شاعران این نکته  
مهم را رعایت نمی‌کنند و این امر سبب ایجاد تعقید معنوی می‌شود:

چرا کلاغ مثل ما/ همیشه کار می‌کند/ چه حرف‌هاست در دلش/ که قار و قار می‌کند؟/ **دل کلاغی اش سفید**/ ولی دو بال او سیاه (شعبان‌نژاد، ۱۳۸۴: کلاغه به خوش نرسید).

«دل سفید بودن» در معنای پاک و ساده بودن است؛ اما این گونه عبارات متناسب با داشته‌های ذهنی کودک نیست.

از بس ستایش/ کردند و کردند/ **انگار شد آب/ توی دلم قند** (کیانوش، ۱۳۸۱: ۱۸).

«قند توی دل آب شدن» کنایه‌ای دور از ذهن کودک است که در معنای «شاد شدن» به کار می‌رود و کاربرد آن سبب ایجاد تعقید معنوی شده است. مادر بزرگ مهربان هم/ یک شیوه دیگر گرفته/ با اینکه با تو قهر قهر است/ ژاکت برایت **سر گرفته** (رحماندوست، ۱۳۸۴: نامه‌ای برای تو).

اگرچه «سر گرفتن» این‌جا در معنی هدیه گرفتن به کار رفته است؛ ولی در اصل شروع به بافتن چیزی است و «برایت ژاکت سر گرفته» یعنی شروع کرده به بافتن ژاکت برای تو و این معنی حتی در شعر بزرگسالان هم متداول نیست و کودکان از درک آن ناتوان هستند.

مجاز عقلی نیز ممکن است در شعر کودک سبب ایجاد تعقید معنوی شود و آن عبارت است از نسبت دادن فعل به فاعل غیرحقیقی (شمیسا، ۱۳۸۷: ۲۴). این نوع مجاز در ادبیات، به‌ویژه در شعر کودک به‌وفور دیده می‌شود. کودکان با توجه به قوه تخیل قوی، فعل را به فاعل غیرحقیقی نسبت می‌دهند. «این تصویر ذهنی کودک و تصرفی که تخیل او در بیان واقعیت کرده، این اسناد مجازی بیان شاعرانه زیبایی است که حاصل بیداری طفل به گوشه‌ای از ارتباط انسان و طبیعت است» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۹۰: ۵)؛ اما باید توجه داشت که در شعر کودک، نسبت دادن فعل به فاعل غیرحقیقی نباید فراتر از تصور کودک یا مغایر با آن باشد. در شعر زیر، با کاربرد غیراصولی مجاز عقلی، تعقید به وجود آمده است:

گشودی بال در آن دشت آبی/ در آن **تابنده روز آفتابی** (دولت‌آبادی، ۱۳۷۸: کبوتر).



در شعر بالا، تابندگی به روز نسبت داده شده است؛ درحالی که فعل تابیدن برای آفتاب مناسب است و همین امر باعث ایجاد تعقید معنوی شده است.

### ۳. نتیجه گیری

زبان آموزی کودک بر تقلید از گفتارهای محاوره، رسانه، شعر و داستان استوار است. شعر، به دلیل محدودیت‌های عروضی، اصولی دستوری ندارد که بر جمله حاکم باشد؛ به همین دلیل، عیوب فصاحت در شعر، بیش از نثر دیده می‌شود. در برخی موارد، عدول از هنجار که در شعر کودک دیده می‌شود، در شعر بزرگسالان، به دلیل همراه بودن با ذوق هنری و التذاذ، ظرافت ادبی شمرده می‌شود. کودکانی که در سنین پایین، قواعد زبانی را از شعر می‌آموزند، در سخنان روزمره خود از این قواعد بهره می‌برند و بر همین اساس، نادرستی‌های موجود در شعر، به زبان کودک انتقال می‌یابد. مهم‌ترین عیوب زبانی در شعر کودک عبارت است از: تعقید لفظی و معنوی، مخالفت با قیاس و غرابت استعمال. این عیوب به دلایلی از قبیل توجه به عناصر موسیقایی بیش از عناصر زبانی، بی‌توجهی شاعر به تفکر و میزان رشد زبان کودک، عدول از هنجار و... ایجاد می‌شود که هم بر ساختار و هم بر معنی جملات تأثیر می‌گذارد و مانع از درک معنی، لذت ادبی و یادگیری درست قواعد زبانی می‌شوند.

### منابع

- آقاחסینی و میرباقری فرد (۱۳۸۶)، نقد و تحلیل مقدمه کتاب‌های بلاغی (فصاحت کلمه)، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی باهنر کرمان، شماره ۲۳، صص ۱۸-۱.
- ابراهیمی، جعفر (۱۳۷۲)، آسمان ابری نیست، چاپ اول، تهران: نهاد هنر و ادبیات.
- انوری و احمدی گیوی (۱۳۸۹)، دستور زبان فارسی (۲)، چاپ ششم، تهران: مؤسسه فرهنگی فاطمی، ویرایش سوم.
- پوروهاب، محمود (۱۳۷۸)، صدای ساز باران، چاپ اول، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- پولادی، کمال (۱۳۸۷)، بنیادهای ادبیات کودک، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چاپ دوم.
- تفتازانی، سعدالدین (۱۳۹۱)، شرح المختصر، چاپ هفتم، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- حسن‌لی، کاووس (۱۳۸۳)، گونه‌های نوآوری در شعر معاصر، تهران: نشر ثالث.

- خلیلی جهانتیغ، مریم و مسعود زندوانی (۱۳۹۰)، **سبک‌شناسی اشعار کودک و نوجوان عباس یمنی شریف**، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال چهارم، شماره اول، صص ۱۲۱-۱۵۲.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۳۸) **لغت‌نامه دهخدا**، ج ۷، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
- دولت آبادی، پروین (۱۳۷۸)، **گل بادام**، چاپ چهارم، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- رجایی، محمد خلیل، (۱۳۷۹) **معالم‌البلاغه در علم معانی و بیان و بدیع**، دانشگاه شیراز: مرکز نشر.
- رحمان دوست، مصطفی (۱۳۸۴)، **پرنده گفت به به**، چاپ اول، تهران: کتاب‌های مهتاب.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۶)، **چشمه نور**، چ ۴، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹)، **دوستی شیرین است**، چاپ هفتم، تهران: انتشارات مدرسه.
- سلاجقه، پروین (۱۳۸۷)، **از این باغ شرقی**، چاپ دوم، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- سمیعی، احمد (۱۳۸۴)، **نگارش و ویرایش**، چاپ دهم، تهران: سمت.
- شعبانی، اسدالله (۱۳۷۸)، **پروانه و گل سر**، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چاپ دوم.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱)، **من یا عروسک من**، چاپ دوم، تهران: انتشارات مدرسه.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲)، **هر کی یه رنگی داره**، چاپ اول، تهران: کتاب‌های شکوفه.
- شعبان‌نژاد، افسانه (۱۳۷۷)، **چتری از گلبرگ‌ها**، چاپ دوم، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- شعبان‌نژاد، افسانه (۱۳۷۷)، **زنبور و سیب قرمز**، چاپ اول، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۴)، **کلاغه به خونش نرسید**، چاپ دوم، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۰)، **صور خیال در شعر فارسی**، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات آگه.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۷)، **بیان و معانی**، چاپ سوم، تهران: نشر میترا.
- صفوی، کورش (۱۳۹۰)، **از زبان‌شناسی تا ادبیات (جلد اول)**، چ ۳، تهران: سوره مهر.
- علی‌پور، منوچهر (۱۳۷۹)، **پژوهشی در شعر کودک**، چاپ اول، تهران: نشر تیرگان.



- فاستر کوهن، سوزان (۱۳۸۹)، **درآمدی بر رشد زبان کودک**، ترجمه فرزاد میر احمدی، چاپ اول، تهران: انتشارات رشد.
- قریب، عبدالعظیم و همکاران (۱۳۸۰)، **دستور زبان فارسی (پنج استاد)**، تهران: مؤسسه نشر جهان دانش.
- کزازی، میر جلال‌الدین (۱۳۸۴)، **آب و آیین، چاپ اول**، تبریز: انتشارات آیدین.
- کشاورز، داوود (۱۳۸۰)، **نقد نظریه مربوط به جهانشمول بودن یادگیری دستور زبان در کودکان**، دانشگاه خوارزمی: مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دوره ۹، شماره ۳۳، صص ۸۹-۱۰۲.
- کیانوش، محمود (۱۳۸۱)، **زبان چیزها**، چاپ سوم، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- محقق، جواد (۱۳۸۱)، **در خانه ما**، چاپ اول، تهران: سوره مهر.
- مدرسی، فاطمه (۱۳۸۶)، **از واج تا جمله (فرهنگ زبان‌شناسی - دستوری)**، چاپ اول، تهران: چاپار.
- مدنی، داوود و محمد خسروی شکیب (۱۳۸۸)، **نشانه‌شناسی زبان در شعر کودک** دانشگاه آزاد مشهد، فصلنامه ادبیات فارسی، دوره ۵، شماره ۳۳، صص ۱۰۱-۱۱۴.
- مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۹۰)، **مثنوی معنوی**، چاپ پنجم، تهران: انتشارات هرمس.
- همایی، جلال (۱۳۸۴)، **فنون بلاغت و صناعات ادبی**، چاپ اول، تهران: انتشارات اهورا.

